



## غنا از دیدگاه محقق سبزواری

پدیدآورنده (ها) : ملکوتی فر، ولی الله

علوم قرآن و حدیث :: نشریه مشکوة :: پاییز ۱۳۷۵ - شماره ۵۲ (ISC)

صفحات : از ۲۶ تا ۴۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/889372>

تاریخ دائلود : ۱۴۰۵/۰۱/۱۶

### کاربر گرامی، فایل دائلود شده فقط برای استفاده شخصی است، از نشر آن خودداری فرمایید.

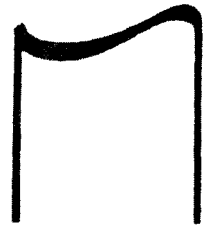
مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- تقابل و تعامل سلطنت و حکومت از دیدگاه محقق سبزواری و شاه‌عباس اول صفوی
- بررسی مدعای تأثر فیض کاشانی و محقق سبزواری از متصوفه اهل سنت در مسئله غنا
- غنا از دیدگاه محقق اردبیلی
- لطف لطیف از دیدگاه مولوی و محقق سبزواری
- فقر و غنا (از دیدگاه هجویری و خواجه عبدالله انصاری)
- محقق سبزواری و تأثیرپذیری وی از اندیشه‌های امام‌علی(ع) در امر حکومت و مؤلفه‌های آن در روضه‌الانوار عباسی
- مصاحبه با آیت الله علی محمد در خصوص روش اصولی فقهی، و منصب افتاء از دیدگاه آیت الله سید عبدالاعلی سبزواری (رحمة الله علیه)
- مفهوم «نور» از دیدگاه سید حیدر آملی و عبدالاعلی سبزواری
- حسن و قبح عقلی از دیدگاه محقق اردبیلی
- بررسی تطبیقی حجیت قاعده ید در منافع از دیدگاه محقق نراقی و امام خمینی

ولی‌الله ملکوتی‌فر  
دانشگاه آزاد اسلامی سبزوار

۳



انجمن پژوهش‌ها و اندیشه‌ها و آرا و دیدگاه‌ها

## نماز و دیدگاه محقق سبزواری

محقق سبزواری از دانشمندان معروف شیعی است که در نشر معارف حقه و ترویج مذهب تشیع جعفری، خدمات درخشانی انجام داده و آثاری گرانبها و ماندگار از خود به یادگار گذاشته است.

مولا محمدباقر بن مولا محمد مؤمن خراسانی سبزواری، در سال ۱۰۱۷ ه. ق در قریه نامن سبزواری به دنیا آمد و در سال ۱۰۹۰ ه. ق از دنیا رفت و در مشهد مقدس در مدرسه ملا میرزا جعفر، جنب مقبره شیخ حرّ عاملی مدفون شد. از وی دو فرزند به نامهای محمد هادی و میرزاجعفر باقی ماند.

این که نامبرده دوران کودکی را چگونه گذرانیده و تحصیلات اولیه را در کجا به اتمام رسانیده است، در کتابهای رجالی مورد مراجعه نگارنده چیزی دیده نشد. فقط این نکته استنباط می‌شود که وی در حوزه علمیه اصفهان به تحصیل و سپس به تدریس پرداخته است. با توجه به این که حوزه اصفهان، مکتبی فقهی و فلسفی بود، محقق سبزواری در هر دو رشته، به درجات عالی رسیده است؛ به طوری که نام وی به عنوان یکی از اکابر علما و محدثان شیعه در قرن یازدهم، در تاریخ ضبط شده است.

محقق سبزواری پس از این که از محضر علمایی مانند مجلسی اول، شیخ بهائی، میرفندرسکی، کسب فیض نمود، خود یکی از اعظام بزرگ زمان گردید. به همین جهت، در اصفهان شهرت یافت و نزد شاه سلیمان مکرّم و معزز گردید و منزلتی ویژه یافت تا جایی که تدریس در مدرسه ملا عبدالله شوشتری به وی تفویض شد و به مقام امامت جمعه و جماعت

رسید و به منصب شیخ‌الاسلامی منصوب گردید.<sup>۱</sup>

آثار محقق سبزواری:

چنان که گفتیم وی چون در مکتب فقهی و فلسفی اصفهان پرورش یافته بود، جامع معقول و منقول گردید.

او در زمینه‌های فلسفه، فقه، اصول، اخلاق و ادعیه بیش از سی اثر گرانبها از خود به جای گذاشته است که مهمترین آنها عبارتند از: ذخیره‌المعاد در زمینه شرح ارشاد الازهان علامه حلی؛ کفایة الاحکام در تکمیل ذخیره‌المعاد؛ خلاقیه به زبان فارسی و در عبادات. مصنف در این کتاب، اختلاف آراء فقهای امامیه را با استدلال بیان نموده است.<sup>۲</sup> رساله فی صلاة الجمعة در زمینه اثبات وجوب عینی نماز و...

اساتید:

وی از محضر علمای بزرگی در فلسفه و فقه خوشه‌چینی کرد که مهمترین آنها عبارتند از: شیخ بهائی، میرفندرسکی و ملا حسینی شوشتری.<sup>۳</sup>

شاگردان:

از آنجا که مرحوم سبزواری جامع معقول و منقول بود، افرادی که از محضر او کسب فیض می‌کردند، در هر دو جهت، به مقامات بلندی نایل شده‌اند. مهمترین آنها عبارتند از: ملا محمدین عبدالفتاح تنکابنی، محقق خوانساری (شوهر خواهرش که به خاطر عظمت علمی‌اش به استاد الكل فی الكل عند الكل معروف بود)، میرزا عبدالله افندی.<sup>۴</sup>

معاصران:

ملا محسن فیض کاشانی با وی دوست صمیمی بود و به اندازه‌ای رابطه‌ای این دو تن صمیمانه بود که مانند آن برای دو نفر معاصر و متنفذ، کم اتفاق می‌افتد. این دو نفر در بسیاری از عقاید با هم متفق‌القول بودند. شیخ علی شهیدی که از مخالفان سرسخت دو محقق مذکور بود، نسبت‌های ناروایی به آنها داده است که قلم از بیان آنها شرم دارد.

محقق سبزواری شیوه خاصی در ارائه نظرات فقهی خود انتخاب کرد و راهی نو فرا روی پژوهشگران فقه قرار داد. او با عنایت شدیدی که به کتاب و سنت معصومان علیهم‌السلام و گریز و ترسی که از به کار بردن استحسانات و دلیل عقلی، اجماع و شهرت فتوایی و اجتهاد به رأی داشت، برای خود شیوه فقهی ممتاز و ویژه‌ای پی‌ریزی کرد و این شیوه اهمیت روزافزونی کسب نمود. و

اینک سزاوار است که نظرات فقهی او در عرصه نوآوری فقهی، مورد توجه قرار بگیرد. عظمت و بزرگی سبزواری می‌تواند به اهل تحقیق این جرأت و شهامت را ببخشد تا با عنایت به مآخذ معتبر فقهی و بی‌آن که تحت تأثیر فتاوی قدما و شهرت فتوایی قرار گیرند، به استنباط احکام فقهی بر پایه نیازهای گوناگون جامعه دست یازند. نگارنده ضمن مطالعه خصوصیات فقه این فقیه بزرگوار و بررسی نظرات ویژه او در کتابهای فقهی‌اش، بخصوص، در ذخیره‌المعاد و کفایة الاحکام و برخی رساله‌های دیگر، تلاش کرده است تا این پژوهش نو را به انجام برساند و تأکید می‌کند که چنین پژوهشی درباره آن محقق بزرگوار، هنوز به انجام نرسیده است. امید است با معرفی این فقیه بزرگ قرن یازدهم، خدمتی به جامعه علمی بنماییم.

در این مقاله، به بررسی اجمالی «اباحه غنا از دیدگاه محقق» می‌پردازیم. ابتدا به مفهوم لغوی غنا اشاره‌ای کوتاه می‌کنیم و اختلاف نظر لغویان را در این زمینه می‌نمایانیم. سپس به ویژگی غنا و افراد شایع آن در زمان صدور روایات توجه می‌کنیم تا بدین وسیله به فضای صدور روایات و فهم مقصود واقعی آن نزدیک شویم.

یادآوری اجمالی فتاوی فقهی معروف و فتاوی گوناگون آنان، بخش بعدی این مقاله را تشکیل خواهد داد، و در خاتمه بحثی اخلاقی پیرامون غنا خواهیم داشت.

### غنا چیست؟

- ۱- ابن منظور، غنا را به صدای شادی آفرین معنی کرده است.<sup>۵</sup>
  - ۲- صاحب مصباح المنیر در تعریف غنا نوشته است: «ان الغناء الصوت»: غنا یعنی صوت.<sup>۶</sup>
  - ۳- بعضی غنا را بدین گونه تعریف کرده‌اند: «الغناء هو مدّ الصوت». غنا عبارت است از کشیدن صوت.<sup>۷</sup>
  - ۴- ابن اثیر در کتاب النهایة خود از شافعی نقل کرده که: «الغناء هو تحسین الصوت و تریقه». یعنی غنا زیبا و نازک کردن صوت است.<sup>۸</sup>
  - ۵- مرحوم محقق سبزواری در کفایة الاحکام غنا را این گونه تعریف کرده: کشیدن صدا و بازگردانیدن آن در حلق که حالت شنونده را تغییر دهد.<sup>۹</sup>
- از فحوای کلام مرحوم فیض این‌طور استنباط می‌شود که غنا را نظیر محقق سبزواری معنا کرده‌اند.

۶ - پیروان مذهب حنابله غنا را چنین تعریف می‌کنند: زیبا ساختن صدا به شکلی که سبب تغییر حال و تأثیر در عواطف و احساسات شود.<sup>۱۰</sup>

۷ - مرحوم علامه در قواعد می‌فرمایند: «الغناء هو الصّوت المشتمل علی الترجیع» غنا صوت و آوازی است که در آن ترجیع باشد.<sup>۱۱</sup>

۸ - مرحوم فخرالدین طریحی در مجمع‌البحرین و محقق کرکی در جامع‌المقاصد گفته‌اند: «الغناء هو الصوت المشتمل علی الترجیع المطرب» یعنی آوازی که در گلو بازگردانده شود و حالت را تغییر دهد.<sup>۱۲</sup>

۹ - شیخ انصاری رحمته الله در کتاب المکاسب تعاریف زیادی برای غنا بیان فرموده و پس از جرح و تعدیل می‌فرماید: مقتضای عبارات کسانی که غنا را تعریف کرده‌اند این است که غنا درباره چگونگی صوت و خود صوت است و معنی کلام در آن نقشی ندارد و فرقی ندارد که کلام باطل باشد یا حق، حکمت باشد یا قرآن یا رثاء مظلوم.<sup>۱۳</sup>

از مرحوم محدث گانشانی (فیض) نقل شده است که: غنایی حرام است که مشتمل بر امری بوده باشد که حرمتش از خارج ثابت باشد.

نگارنده به منظور ارائه تعریفی جامع و مانع به فکر تهیه منابع و متون و دسترسی به آراء و نظریات حضرات فقهای قدیم و جدید بودم و لکن همان ذهنیت پیش بر من غلبه یافت، مبنی بر این که شاید نتوان تعریف جامع و مانع برای غنا پیدا کرد. پس، علی‌رغم میل شدید تعریفی مقنع که بتوان آن را موضوع حکم شرعی قرار داد، نیافتم. تعاریفی که از غنا شده تنها شرح اسم و شرح لفظ به حساب می‌آید. هیچ کدام از تعریفهایی که بیان شد و تعریفهای دیگر که به خاطر جلوگیری از اطالة کلام از آنها صرف نظر شد، منطقی، دقیق، علمی و فنی نیستند. از جمله هیچ کدام از تعریفهای فوق توان تعیین موضوع و مفهوم غنای حرام را ندارد چرا که خواندن قرآن و مرثی با صدای خوش و بلند نه تنها منع نشده بلکه در مورد قرآن توصیه شده که با صوت حسن و لحن زیبا خوانده شود.<sup>۱۴</sup>

## فقه‌های شیعه و غنا

آراء حضرات فقها اعم از قدما و متأخران در این مسأله گوناگون و پراکنده است. ما بعد از بررسی آراء گوناگون به این نتیجه رسیدیم که ابتدا نظریات ایشان را به دو دسته تقسیم کنیم سپس نظر صائب را بیان کنیم.

### قائلان به اباحه غنا

از جمله مشهورترین فقه‌های این گروه، می‌توان از مرحوم آیه‌الله فیض کاشانی و مرحوم آیه‌الله محقق سبزواری یاد کرد.

از مرحوم محدث کاشانی (فیض) نقل شده است که: غنایی حرام است که مشتمل بر امری بوده باشد که حرمتش از خارج ثابت باشد. مثل غنایی که همراهش لعب با آلات لهو یا اختلاط زن و مرد در مجلس و تکلم نمودن به امر باطل باشد و در غیر این فرض، نفس غنا را نمی‌توان محکوم به حرمت دانست.<sup>۱۵</sup>

کلام مرحوم فیض در وافی: مرحوم فیض در کتاب وافی،<sup>۱۶</sup> پس از آن که اخبار حرمت را نقل نموده - و ان شاء الله ما نیز بعداً به برخی از آنها اشاره خواهیم نمود - فرموده است: از مجموع اخبار وارده در این باب، چنین استفاده می‌شود که حرمت غنا و متعلقات آن از قبیل اخذ اجرت و تعلیم دادن و گوش کردن و خرید و فروش آلات، کلاً اختصاص به غنایی دارد که در زمان بنی‌امیه و بنی‌عبّاس معهود و متعارف بوده و به این نحو بوده که در مجلس اغانی، زنان و مردان مختلط بودند و همواره زنان تکلم به باطل می‌کردند و با آلات لهو از قبیل عود و نی و غیر اینها، به لعب و خوشگذرانی مشغول بودند.

اما غیر این گونه اغانی حرام نیست چنان که فرموده امام صادق علیه السلام در حدیثی که در همین باب وارد شده، مشعر به آن است. حضرت فرمودند: این مجالس نباید از آن محافلی باشد که زن و مرد مختلط باشند.<sup>۱۷</sup> سپس مرحوم فیض سخن را ادامه می‌دهد تا آنجا که می‌فرمایند: بنابراین شنیدن تغنی با اشعاری که متضمن ذکر بهشت و دوزخ بوده باشد، مستمع را نسبت به عالم باقی و آخرت تشویق نماید و نعم الهی را توصیف و بیان کند و شخص را به خیرات و اعمال نیک ترغیب نماید و نسبت به امور فانی و زایل بی‌میل و بدون رغبت کند و امثال این امور، اشکالی ندارد. چنان که به همین معنا در حدیثی که مرحوم صدوق در کتاب فقیه نقل نموده اشاره شده است و آن این است که امام علیه السلام فرمودند: «ما عليك لو اشتريتها فذكرتك الجنة»<sup>۱۸</sup> و دلیل ما بر

جواز تغنی به اشعار مذکور این است که کلّ مطالب و موضوعاتی که گفته شد ذکر خداوند متعال است لذا اگر آنها را با غنا بخوانند مرتکب حرامی نشده‌اند و اصلاً کسانی که دارای مقام خشیت و از عصیان حق تعالی خائف هستند از شنیدن این‌گونه اشعار پوست بدنشان جمع شده، دل‌هایشان به جانب ربّ الارباب و ذکر حضرتش متوجه می‌گردد.

خلاصه کلام آن که، بر هیچ شخص عاقلی پس از شنیدن این اخبار تمییز غنای حق از غنای باطل مخفی نمی‌ماند و معلوم می‌شود اکثر غناهایی که اهل تصوّف مرتکب آن می‌شوند از سنخ غنای باطل است.

محقق سبزواری در کفایه<sup>۱۹</sup> بعد از ذکر اخباری که از حیث جواز و منع در قرآن و غیر آن موجود است نوشته: جمع بین این اخبار به دو وجه ممکن است:

وجه اول از جمع بین اخبار متعارضه آن است که بگوییم: اخباری که ما را از غنا نهی نموده‌اند، اختصاص به غیر قرآن دارند و اخبار مجوّزه راجع به غنای قرآن می‌باشند. بنابراین تنافی و تعارض به این بیان از بین اخبار برداشته می‌شود. اگر گفته شود، پاره‌ای از اخبار مانعه به صراحت از تغنی به قرآن ما را نهی و منع نموده‌اند و با این وصف چگونه بگوییم مورد این اخبار غیر قرآن می‌باشد. در جواب می‌گوییم: این دسته از اخبار که به صراحت و روشنی تغنی به قرآن را مورد نهی و منع قرار داده‌اند حمل می‌شوند بر قرائتی که بر سبیل لهُو بوده و به آن نحوی که فُسّاق و اهل عصیان در غنایشان می‌خوانند. ولی غنایی که به سبک غنای ایشان نباشد در صورتی که قرآن را با آن نحو و طرز قرائت کنند، اشکالی ندارد. مؤید این گفتار روایت عبدالله بن سنان است به این مضمون: قرآن را با الحان عربی بخوانید و بپرهیزید از این که آن را به طریق اهل فُسوق و کبائر بخوانید و عن قریب بعد از من اقوامی می‌آیند که قرآن را با صوتی مشتمل بر ترجیع می‌خوانند.<sup>۲۰</sup>

وجه دوم از جمع بین اخبار متعارضه آن است که بگوییم: اخبار مانعه را حمل می‌کنیم بر آنچه در عصر و زمان عباسیان و امویان رایج بوده است و فرد شایع غنا در آن زمان این بود که غنا را به طرز لهُو، عملی می‌ساختند. یعنی، مجالس فجور و فسوق ترتیب می‌داده و در آن از خمور و عمل به ملامه استفاده می‌کردند و نیز در آن محافل، زنان و مردان به طور مختلط شرکت داشتند و همواره زنان به مطالب باطل تکلم می‌کردند و آنها را به سمع مردان می‌رساندند.<sup>۲۱</sup> بدیهی است حمل لفظ «الغناء» که مفرد معرفه است مفهوم کلی ندارد و حمل بر افراد آن زمان

هیچ بعید نیست. سپس روایت علی بن جعفر و روایت «اقرؤوا و القرآن» که قبلاً نقل شد ذکر کرده و پس از آن این عبارت معصوم علیه السلام را که «لیست بالئی یدخل علیها الرجال» را جهت تأیید حمل مذکور نقل نموده است و پس از آن فرموده: در این حمل، اشعار و اشاره است به این که منشأ منع در غنا پاره‌ای از امور محرّمه بوده که با غنا همراه و مقرون قرار می‌دادند همچون لهو و غیر آن. ۲۲.

سپس، سخن را ادامه داده تا جایی که فرموده است: در تعدادی از اخبار، منع از غنا، مضمونی آمده که مشعر است به این که غنا چون لهو و باطل است، حرام می‌باشد پس در هر موردی که عنوان لهو و باطل صادق بود البته باید حکم به حرمت نمود و در غیر آن حرمت بدون دلیل می‌باشد و پرواضح است که صدق این دو عنوان (لهو و باطل) در قرآن و ادعیه و اذکاری که با اصوات و الحان خوش خوانده می‌شوند و انسان را به یاد بهشت می‌اندازند و شوق به عالم بالا را در شخص تهییج می‌نمایند، محل تأمل است.

پس از آن فرمود: از این بیانات و تفصیل که بگذریم بین اخبار غنا و اخبار بسیار دیگر که به حد تواتر رسیده و جملگی بر فضیلت قرائت قرآن و ادعیه و اذکار با صوت حسن و لحن خوش دلالت دارند تعارض می‌باشد و باید توجه داشت که موضوع این اخبار چنان که اشاره شد صوت حسن است و این موضوع از نظر لغت اعم از غنا است، افزون به این که حکم آن طبق دلالت این اخبار اباحه است با اصل موافق می‌باشد و به هر تقدیر بین اخبار مذکور و احادیث حرمت و منع از غنا تعارض است و نسبت بین آنها عموم و خصوص من وجه می‌باشد زیرا قرائت قرآن و دعا و ذکر با صوت حسن اعم است از این که علی وجه الغناء المحرم بوده یعنی همراهش محرّم مسلمی باشد یا تنها و بدون آن محرّم تحقّق یابد و از آن طرف غنا نیز اعم است از قرائت قرآن و دعا و ذکر با صوت و لحن حسن یا غیر آن، بنابراین در مقام جمع می‌گوییم: بدون شک غنا به نحو لهو در صورتی که مقرون با ملامه و امثال آن باشد حرام است و اما در غیر آن، پس اگر اجماع بر حرمتش ثابت باشد البته به آن ملتزم می‌شویم و الاً بر همان حکم اصلی خود که اباحه است می‌باشیم. ناگفته نماند که در این مسأله البته، طریق احتیاط واضح و روشن است یعنی احتیاط این است که از غنای غیر مقرون با حرام نیز اجتناب گردد.

کسانی هستند که غنا را به طور مطلق رد کرده‌اند. عده‌ای از این گروه، اوّل نظریات آن دو بزرگوار (محقق سبزواری و فیض کاشانی) را نقل کرده و سپس آنها را مورد نقد و بررسی قرار

داده و نظر خود را بیان کرده‌اند از آن جمله شیخ علی شهیدی (شیخ علی بن شیخ محمد بن شیخ حسن) صاحب حاشیه بر شرح لمعه که از معاصران مرحوم فیض و سبزواری است. وی رساله‌ای در حرمت غنا بر ردّ قول آن دو بزرگوار نوشته و بر آنها سخت تاخته و سخنانی بر مرحوم سبزواری رانده که واقعاً انسان از بیان آن خجالت می‌کشد کلماتی که صاحب روضات الجنات بیان کرده است، اگر شیخ علی شهیدی نسبت به محقق سبزواری گفته باشد جداً از انصاف به دور است.

### نقد و بررسی نظریه محقق سبزواری و فیض کاشانی

مرحوم شیخ اعظم نیز نظریات آن دو بزرگوار را در مکاسب محرّمه بیان فرموده، سپس آنها را نقد و بررسی کرده است.<sup>۲۳</sup>

در مقام جمع می‌گوییم: بدون شک غنا به نحو لهُو در صورتی که مقرون با مِلاهی و امثال آن باشد حرام است و اما در غیر آن، پس اگر اجماع بر حرمتش ثابت باشد البته به آن ملتزم می‌شویم و الاّ بر همان حکم اصلی خود که اباحه است می‌باشیم.

مرحوم شیخ اعظم بعد از بیان آراء محقق سبزواری و فیض کاشانی می‌فرماید: غنا طبق آنچه از اخبار و فتاوی علمای و قول اهل لغت استفاده می‌شود عبارت است از نوعی مِلاهی همچون زدن تار و دمیدن در نی و مزمار، و قبلاً در ضمن روایت اعمش که درباره کبائر وارد شده به آن تصریح گردید؛ بنابراین در حرمت غنا هیچ نیازی نیست به این که با محرّمات دیگر مقرون گردد و آنچه از دو محدث مذکور (مرحوم فیض و مرحوم سبزواری) در این زمینه نقل شد کلام صحیح و درستی نیست.<sup>۲۴</sup> بلی، اگر فرض کنیم که غنا برای مطلق صوت حسن وضع شده چنانچه از برخی تفاسیر که در ذیل «تطریب» قبلاً نقل شد؛ این‌طور به دست می‌آید، البته فرموده این محدث وجیه است بلکه می‌توان گفت؛ رأی جمله اصحاب چنین می‌باشد زیرا ما احدی از فقها را

سراغ نداریم که به طور مطلق قائل به حرمت صوت حسن باشد بلکه آنان که به حرمت آن فتوا داده‌اند در صورتی که همراه آن حرام دیگری باشد؛ از قبیل محرمات مذکور (دخول رجال بر نساء، تکلم زنان به اباطیل، ساز و موسیقی نواختن و امثال اینها) آن را حرام می‌دانند نه مجرد صوت حسن. اخباری که راجع به ممدوح بودن صدای خوش وارد شده و این که از بهترین جمالها به حساب می‌آید و مستحب است قرآن و دعا را با صدای خوش بخوانند و نیز صدای خوش حلیه و زینت برای قرآن می‌باشد و انبیاء و ائمه طاهرين علیهم‌السلام به آن متصف بوده‌اند در نهایت کثرت و استفاضه می‌باشد و مرحوم سبزواری پس از آن که فرموده اخبار بسیاری بر جواز غنا در قرآن بلکه بر استحبابش دلالت دارند این اخبار و احادیث را جمع‌آوری و نقل کرده‌اند.

## اگر نسبت مخالفت در مسألة غنا به مرحوم سبزواری داده شود؛ بہتر است از این که وی را قائل به تفصیل دانست.

البته این کلام مبتنی بر آن است که روایات مزبور بر استحباب صوت حسن و حزن خواندن و ترجیح در صدا انداختن دلالت داشته باشد.

سپس می‌فرماید: علی الظاهر، هیچ‌یک از این امور (حسن صوت و تحزین و ترجیح در صوت) بدون غنا وجود پیدا نمی‌کند که این معنا از کلام اهل لغت و دیگران بخوبی استفاده می‌شود و تفصیل و شرح آن را ما در پاره‌ای از مسائل خود آورده‌ایم.

مرحوم شیخ اعظم می‌فرمایند: سبزواری علیه‌الرحمه در شرح فرموده پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که می‌فرمایند: «اقرأوا القرآن بالحن العرب»، فرموده: «لحن یعنی غناء». خلاصه کلام آن که اگر نسبت مخالفت در مسألة غنا به مرحوم سبزواری داده شود، بهتر است از این که وی را قائل به تفصیل دانست بلکه ظاهر اکثر کلمات محدث کاشانی نیز همین است، زیرا در مقام نفی حرمت از صوت حسن مقصود وی صدای خوشی است که مذکور امور اخروی بوده و موجب فراموش شدن شهوات دنیوی می‌باشد.

استدراک مرحوم انصاری درباره تفصیل مرحوم فیض و سبزواری در مسألة حرمت غنا: بلی، برخی از کلمات این دو بزرگوار در قولی که به ایشان نسبت داده شده، ظاهر است و آن

به تفصیلی بود که قبلاً از ایشان نقل شد و در واقع با تأمل و دقت در آن بخوبی می‌توان دریافت که آن تفصیل در صوت لهوی نبوده بلکه قولی است به جواز مطلق غنا و معتقد بودن به عدم حرمت آن؛ بلکه حرام آن چیزی است که با غنا مقرون می‌باشد و آن عبارت است از امری که حرمتش از خارج ثابت و قطعی است، بنابراین باید بگوییم:

---

**مرحوم شیخ انصاری: در حرمت غنا هیچ نیازی نیست به این که با محرّمات دیگر مقرون گردد و آنچه از دو محدّث مذکور (مرحوم فیض و مرحوم سبزواری) در این زمینه نقل شد کلام صحیح و درستی نیست.**

---

ضعف این قول (قول مرحوم فیض و سبزواری رحمتهما) پس از ملاحظه نصوص، اظهر و روشن تر است از این که نیازی به بیان و اظهار داشته باشد. سپس مرحوم شیخ می‌فرمایند: و تقدّر فاصله و تفاوت استه بین این قول و قول مرحوم فخرالمحقّقین. ایشان فرموده‌اند:

«غنا جایز نیست حتّی در عروسی‌ها، زیرا، دو روایتی که غنای در عروسیها را تجویز نموده‌اند اگر چه نصّ و صریح در جواز هستند ولی با اخبار مانعه قابل مقاومت نبوده، در جنّب آنها باید طرح شوند زیرا این اخبار (اخبار مانعه) متواتر هستند و جای تردید نیست که خبر واحد یا خیر متواتر قابل تعارض نیست.»<sup>۲۵</sup>

نظر امام خمینی رحمته درباره نظریه محقق سبزواری ایشان هم نظریات مرحوم فیض و مرحوم سبزواری را طرح و پس از نقل اهمّ گفتار فیض به دفاع از وی پرداخته‌اند.

حضرت امام رحمته نسبت‌های ناروایی را که برخی از فقها<sup>۲۶</sup> به این دو بزرگوار داده‌اند؛ ناشایست دانسته، تصریح می‌فرمایند که، آنچه به آنها نسبت داده شده خلاف آن چیزی است که این دو فقیه بزرگ در آثار فقهی خود گفته‌اند. اینک دیدگاه حضرت امام خمینی رحمته را درباره آراء مرحوم

فیض و محقق سبزواری بیان می‌داریم:

آنچه به محدث کاشانی و محقق سبزواری، صاحب کفایة الاحکام در انکار حرمت غنا و اختصاص آن به لواحق و مقارنات غنا، نسبت داده شده، ناشی از عدم درک و فهم دلایل آنها بوده و گرنه آنچه فیض در وافی و مفاتیح، و محقق در کفایه گفته‌اند، این است که غنا بر دو قسم است: «حق و باطل». حق آن، تغنی به اشعاری است که بهشت و دوزخ را به یاد می‌آورد و انسان را در توجه به دارالقرار تشویق می‌کند... و باطل آن، غنایی است که متناسب با مجالس فسق و فساد و لهو و لعب (رقص و پایکوبی و تداخل نامحرمان) باشد. مانند: مجالس بنی‌امیه و بنی‌عبّاس.

در برابر دیدگاهی که تأکید بر حرمت ذاتی و بدون استثنای غنا دارد، دیدگاه دیگری چون نظر مرحوم فیض و سبزواری وجود دارد. فیض با استناد به ظاهر پاره‌ای از روایات اصل غنا را حرام نمی‌داند، مگر آن که حرامی از خارج بدان ضمیمه گردد و یا عناوینی چون «لهو»، «باطل» که نص آیات و روایات به آنها نظر دارند؛ موجب تحریم غنا شده باشد. محدث کاشانی در کتاب «وافی» بعد از نقل اخبار و روایات مختلف درباره غنا نظر خود را چنین بیان می‌دارد:

از مجموع ادله چنین مستفاد می‌شود که حرمت غنا مخصوص است به مواردی که مشتمل بر امری از فسوق و معاصی باشد، از قبیل لعب به آلات لهو و گفتار دروغ و باطل و بلند شدن آواز زن و کشف محاسن او در حضور مردان نامحرم، بدان‌گونه که در عهد خلفای اموی و عبّاسی متداول بوده است، و گرنه خود غنا - فی نفسه - و بدون اقتران به محرمات شرعیه از محرمات ذاتی شمرده نمی‌شود<sup>۳۸</sup> و تغنی به اشعاری که متضمن مصالح دینی و اخروی و موجب توجه به زهد و عبادت باشد، حرام نیست. از این‌رو، حرمت غنا اختصاص به عوارض و لواحق آن دارد چنان که امام علی (ع) در پاسخ آن فرمود: دادن مزد به زن خواننده‌ای که در عروسیه‌های زنانه می‌خواند، عیبی ندارد. زیرا؛ مردهای نامحرم بر عمل او واقف نیستند و نیز از کلام شیخ طوسی استفاده می‌شود که حرمت غنا به خاطر اشتغال آن بر افعال حرام است، در غیر این صورت دلیلی بر حرمت وجود ندارد و استثناء مواردی چون غنا در عروسی نیز وجهی ندارد. بنابراین، شنیدن غنایی که متضمن اشعاری است که بهشت و دوزخ را به یاد انسان می‌اندازد و یا به آخرت ترغیب می‌کند و یا نعم الهی را بیان و عبادات را متذکر و انسان را در عمل به خیرات تشویق می‌نماید، در این صورت مانعی ندارد، چه جملگی انسان را به یاد حق می‌آورد و بسا، پوستهای بدن را به حرکت و دل‌های حق‌جویان را نرم می‌کند. این جاست که هر خردمندی پس از شنیدن و

استماع انواع آوازا غنای حق را از غنای باطل تشخیص می‌دهد و البته اکثر آوازهایی که متصوّفه در محافل و مجالس سماع خود می‌خوانند از قبیل غنای باطل است.<sup>۲۸</sup>

حضرت امام علیه السلام در ادامه می‌فرماید:<sup>۲۹</sup> هر انسان آگاه، از صدر و ذیل عبارت فیض درمی‌یابد که «غنا» از نظر فیض بر دو قسم است. ۱ - غنای حرام؛ ۲ - غنای حلال. غنای حرام آن است که با همان خصوصّیاتی که ذکر آن آمده است مقارن و همراه گردد. یعنی غنایی که با امر باطل و لهو حرام می‌شود و بدین لحاظ، دادن مزد به خنیاگران زن و آموزش به آنها و یا شنیدن از آنها را تحریم نموده‌اند.

و غنای حلال که از غنای حرام استثناء شده است یعنی پند و اندرز گرفتن و به یاد حق آوردن انسان با آواز غنائی، چنان که در روایات مواردی از غناء مانند تغنی با مرثیه و تلاوت قرآن و آواز سازبان برای شتران و در عروسیه‌ها، استثناء شده و حکم بر جواز آن رفته است؟<sup>۳۰</sup> حضرت امام علیه السلام تصریح می‌فرمایند که این مدّعی فیض و دیگر پیروان آراء او، نه خلاف اجماع فقهاست و نه مغایر با فقه مذهب تشیّع؛ و لذا بدگوییها و نسبتهایی چون خلاف‌گویی و اراجیف‌بافی به وی دادن، در شأن و سزای وی نبوده است!<sup>۳۱</sup>

حضرت امام علیه السلام در ادامه می‌فرماید: هر انسان آگاه، از صدر و ذیل عبارت فیض درمی‌یابد که «غنا» از نظر فیض بر دو قسم است. ۱ - غنای حرام؛ ۲ - غنای حلال.

آن گاه معظم‌له با تأکید بر این که باید با دلیل و برهان به وی پاسخ داد، همان گونه که شیخ اعظم، مرحوم انصاری رحمته الله جواب داده است، به نقاط ضعف دلایل فیض اشاره نموده، ادعاهای وی را ردّ می‌کند، از جمله این که: ظاهر روایات به اندازه کافی، حکایت از حرمت ذاتی غنا دارند و نمی‌توان از آنها چشم پوشید،<sup>۳۲</sup> و دلیل دیگری که فیض به آن استناد کرده دلیل انصراف است یعنی اخبار و روایات غنا به زمان عبّاسیان برمی‌گردد، در حالی که در عهد خلفای مذکور در مجالس آنها اباطیل و محرّمات دیگری هم بوده و اساساً در هر زمانی، مجالس شعرخوانی با آواز غنا مرسوم بوده و بعضاً با محرّمات دیگری چون پایکوبی و میگساری نیز درهم آمیخته و لذا

نمی‌توان تنها در مورد عباسیان ادعای انصراف نمود.<sup>۳۳</sup>

آیه‌الله جناتی در این مسأله چنین می‌گوید: «براساس آنچه آوردیم و برطبق آنچه نویسنده از عناصر خاصه استنباط و نیز از عناصر مشترک منابع اسلامی به دست آورده است، می‌توان با قاطعیت اظهار داشت که: آوازهایی که براساس غرض صحیح و دارای سبک و شیوه متقن - و متمایز از الحان اهل فسوق و شیوه‌های لهو و باطل - باشد و مفاهیم بلند اخلاقی، عرفانی، مذهبی، دینی، اجتماعی، فرهنگی و تربیتی را در برداشته باشد و روح جامعه را برای تخلّق و نیکیها آماده کند و مفاهیم مذهبی و عقیدتی را با لطافت در قلبها جای دهد و روحیه مقاومت و مبارزه با دشمنان وطن و مذهب را تقویت نماید و جلو تمایل و گرایش نسلها به سوی آوازهای فاسد و مفسد و آهنگهای مهیج شهوانی را سد کند - مانند بسیاری از سرودهایی که از رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی پخش می‌شود - نه تنها هیچ‌گونه اشکالی ندارد، بلکه بسیار خوب و پسندیده است و امیدواریم که گامهایی استوارتر و مثبت‌تر و دقیق‌تر در این راستا همسو با موازین شرعی و احکام اسلامی برداشته شود.

منتها باید توجه داشت که بیان این مطلب سبب تجرّی افراد ناآگاه نشود و گمان نکنند که آوازاها و آهنگهایی که در زمان پیش از جمهوری اسلامی به گونه لهو و فسادانگیزی ساخته شده‌اند و فقها آنها را حرام دانسته‌اند و یا آوازاها و آهنگهایی که توسط عناصر فاسد و فاسق به صورت مخفی سروده و نواخته شده است و همچنین آهنگها و آوازهای رادیوهای خارجی که به گونه لهو و لعب است؛ نیز بدون اشکال است؛ بلکه! اصولاً مصداق اصلی غنا همین آوازاها و آهنگهایی است که به منظور فساد و فسادانگیزی ساخته شده و به قصد تهییج شهوت و به هدر دادن وقتها و نیروها و انحراف عواطف و تشویش اعصاب و تخدیر قوای نسلها و بخصوص نسل جوان، توسط مستکبران و طاغوتیان و عناصر ناصالح و خوشگذران تهیّه می‌شود و از طریق نوارهای کاست و ویدئو و شبکه رادیویی بیگانه در اختیار جوانان مسلمان قرار می‌گیرد.

#### حکم موارد مشکوک

در تکمیل این بحث می‌بایست، به حکم موارد مشکوک نیز اشاره کنیم زیرا در برخی موارد، انسان نمی‌تواند غنا بودن و یا نبودن آواز و سرودی را به طور قطع مشخص کند. در چنین مواردی حکم شرع چیست؟ آیا می‌توان بدن پرداخت و آن را شنید یا نه؟ در مواردی که شبهه موضوعی و مصداقی باشد، چون موضوع حرمت غنا و آواز در آنها

محرز نیست بدین جهت از نظر شرع و متفکران مذاهب اسلامی شنیدن آن اشکال ندارد. زیرا مشمول قاعده حلیت و برائت است. توضیح این گفتار به این است: حکم حرمت هر گاه مربوط به موضوعی باشد که در تحقق آن شک شود، شک این گونه‌ای در فرض مسأله در واقع بازگشت به این دارد که حکم متوجه به مکلف شده است یا نه، پس، شک در اصل تکلیف است، و همه متفکران اصولی گفته‌اند در مواردی که شک در اصل تکلیف باشد به وسیله اصل برائت دفع می‌شود و در فرض مسأله چون غنا و آوازی که موضوع برای حرمت است محرز و ثابت نمی‌باشد از این رو به وسیله اصل برائت می‌گوییم شنیدن آن اشکالی ندارد. اما در مواردی که شبهه مفهومی باشد نیز حکم چنین است. زیرا در مباحث اصولی صاحب نظران و متفکران گفته‌اند: هر گاه موضوع حکم حرام دارای مفهوم قدر متیقن باشد در غیر آن، حکم به حلیت می‌شود و در مورد غنای حرام همین حکم جاری است و در مورد غنای حرام که قدر متیقن وجود دارد مانند سرودهای شهوانی و ترانه‌های شهوت‌انگیز و بی‌محتوا و باطل. بنابراین همه موارد مشکوک آن حلال خواهد بود.

براساس گفته‌های مذکور، سرودهایی که خوانندگان، و هنرمندان در صدا و سیمای جمهوری اسلامی اجرا می‌کنند، به نظر من از نظر موازین شرعی هیچ‌گونه اشکالی ندارد؛ چون، بخش زیادی از آنها «با توجه به شرایط فقه اجتهادی و موازین منابع و پایه‌های استنباط شناخت در تحقق غنای (حرام) قطعاً، از سنخ غنای شرعی که موضوع برای حرمت است نمی‌باشند. اگر چه، غنای به معنای لغوی، بر آنها صدق کند و بخش دیگر از آنها؛ چون مصداق غنای حرام بودن آنها مشکوک است، برطبق موازین فقه اجتهادی، محکوم به حلیت است».

#### عرف و غنا

در نظر فقه امامیه، دلیل مستقلی بر اعتبار و حجیت عرف - فی نفسه - وجود ندارد. بدین جهت، هیچ یک از اقسام آن نمی‌تواند دلیل مستقلی در مقابل کتاب، سنت، اجماع و عقل باشد بلکه، اعتبار و حجیت آن منوط به کاشفیت از تأیید و امضای شارع است که در این فرض داخل در سنت می‌شود.

«عرف» تابع شرایط فیزیکی، فرهنگی و اجتماعی می‌باشد و بدین سبب می‌توان گفت که یکی از علل تعدد تعاریف غنا، به خاطر متغیر بودن عرفها بوده است.

حسن کاتب از ادیبان و موسیقیدانان قرن ششم، در توصیف مطرب بودن غنا می‌گوید: <sup>۳۵</sup> «و

انما الغناء ما اطرب ذوی المعرفة به» یعنی غنای واقعی آن است که موجب طرب اهل فن موسیقی گردد و سپس می‌گوید: هر چه جهل مردم بیشتر باشد، زودتر با هر صدایی طربناک می‌شوند ولی کسانی که آشنا به علم موسیقی هستند، بخوبی می‌توانند به رموز موسیقی آوازی پی ببرند و آن را از صدای ناموزون و بی‌آهنگ و عامیانه تشخیص دهند.

جمله اخیر «کاتب» تأییدی است بر این که: کارشناس می‌تواند صدای زیبا، آهنگین و متناسب با نت‌های موسیقی را از صدای خوش ولی ناموزون تمییز دهد.

همان‌طور که میان عالم و جاهل به موسیقی، در طربناک شدن تفاوت است در افراد مختلف از لحاظ سرشت و طبیعت، ذوق و قریحه، لطافت روح و صفای باطن، عاطفی بودن یا عقلانی بودن، تفاوت چشمگیری وجود دارد. با توجه به مسائل فوق، دانشمندان فقه امامی شیعه، قید قابلیت در اطراب را در غنا ذکر کرده‌اند، یعنی غنا آن است که شائیت و قابلیت ایجاد طرب در متعارف مردم (نه تمام مردم) را داشته باشد و این قید «متعارف» هم تأییدی است بر تفاوت افراد در اثرپذیری از موسیقی.<sup>۳۶</sup> شاید کسانی که برای غنا اقسام و مراتب قائل شده و مرتبه‌ای از آن را عبارت از صوتی دانسته‌اند که مانند خمر و مسکر موجب تخدیر و سبکسری و زوال عقل می‌گردد؛ با عنایت به مطالب یاد شده گفته‌اند.<sup>۳۷</sup>

گاه، عامل خارجی موجب تأثر و اندوه در فرد، می‌شود و گاه مسأله‌ای یا خبری خوشحال کننده به انسان می‌رسد در این دو حال اگر خواننده با لحن محزون بخواند، آن شخص متأثر بسرعت گریان می‌شود و اگر با نوای سبک و آهنگ شاد و نشاط‌آور بخواند، آن شخص خوش‌خبر، خیلی زود به وجد و طرب می‌آید و در پوست خود نمی‌گنجد.

افراد بشر دارای «حواس پنجگانه» می‌باشند، ماهیت این حواس که دریچهٔ قلوب‌اند به میزان مراقبت و اجتناب از ممنوعات شرعی و عقلی، شکل می‌گیرد و در قالبهای معین متشکل می‌شود. در این حالات، افراد در استفاده از مدرکات و محسوسات، بهره‌های متفاوت و تأثیرات گوناگون می‌پذیرند. از طرفی، افراد اهل تعقل که عاطفه در آنها نمود کم‌رنگ دارد، از زیباییها و کمالات ادراکی، کمتر منفعل می‌شوند. از این‌رو، موسیقی و آواز نیز افراد را بطور متفاوت برمی‌انگیزد.

حکم غنا از دیدگاه اجتهادی امام خمینی علیه السلام

مسألة ۱۳ - غنا فعلش و سماعش حرام است، همین‌طور کاسبی کردن به وسیلهٔ آن؛ و غنا مجرد صوت خوب نیست، بلکه آن کشیدن صوت و ترجیع آن به کیفیت خاص مطربی که مناسب

مجالس لهو و محافل طرب و آلات لهو و ملاحی است. و فرقی نیست بین استعمال غنا در کلام حق چون قرائت قرآن و دعا و مرثیه و غیره از شعر یا نثر بلکه اگر کسی غنا را در آنچه که خدای تعالی به وسیله آن اطاعت می‌شود، استعمال کند، عقابش مضاعف می‌شود.

بله، گاهی غنای زنهای خواننده در عروسیها استثنا می‌شود که آن بعید نیست و ترک نمی‌شود احتیاط به اکتفا کردن به همراهی عروسیها در مجلسی که برای آن مهیّا می‌شود مقدّمأ و مؤخرأ، نه مطلق مجالس، بل احوط اجتناب است مطلقاً.<sup>۳۸</sup>

#### بحث اخلاقی در مورد غنا

لازم به تذکر است، گرچه به لحاظ اجتهادی از بعضی احادیث استنباط می‌شود که پاره‌ای از غناها حلال است، همان‌طوری که مرحوم فیض و سبزواری فرموده‌اند در مواردی احتیاط در خودداری از غنا است.

گرچه مرحوم محقق سبزواری غنا را به دو دسته تقسیم کرده و لکن بالصّراحه می‌فرماید: ولا خلاف عندنا فی تحریم الغنا فی الجملة.<sup>۳۹</sup>

حضرت امام خمینی رحمته الله نیز هر چند غنای زنهای خواننده در عروسیها را استثنا می‌فرماید ولی در خاتمه می‌فرماید: <sup>۴۰</sup> احوط اجتناب است مطلقاً، به فرض که ما بتوانیم حلیت بعضی از غناها را ثابت کنیم؛ غنا امر مباحی می‌شود و به ما دستور داده شده از امر مباح نیز اجتناب کنیم.

مرحوم فیض می‌فرماید: گرچه جایز بودن غنا اختصاص به عروسیها ندارد بخصوص که بعضی از روایات دلالت بر عدم اختصاص جواز غنا به عروسیها دارد ولی از این نکته نیز نباید غفلت کرد که: پاره‌ای از اعمال، زینده کسانانی که غیرت دینی دارند نمی‌باشد هر چند از نظر شرعی مباح باشند.<sup>۴۱</sup>

#### پی‌نوشتها و مأخذ

- ۱ - نسخه خطی این کتاب در کتابخانه آستان قدس به شماره عمومی ۷۰۵۵ موجود است.
- ۲ - نسخه خطی این کتاب در کتابخانه آستان قدس موجود است.
- ۳ - الکنی و الالقاب، ج ۳، ص ۱۵۹، و ریحانة الادب، ج ۳، ص ۷۳.
- ۴ - همان.

- ۵- لسان العرب، ج ۱۵، ص ۱۳۶.
- ۶- المصباح المنير فی غریب الشرح الكبير للرافعی، فیومی، ج ۱ و ۲، ص ۴۵۵، المكتبة العلمیه بیروت، لبنان.
- ۷- المكاسب المحرمة، امام خمینی رحمته الله، ناشر اسماعیلیان، ۱۳۶۸.
- ۸- النهاية فی غریب الحديث والاثر، ابن اثیر، ج ۳، ص ۳۹۱، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۴.
- ۹- الغناء هو مد الصوت المشتمل علی ترجیع المطرب. کفایة الاحکام، کتاب تجارت، مقصد دوم.
- ۱۰- الفقه علی المذاهب الاربعه، عبدالرحمان الجزیری، ج ۲-۲، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
- ۱۱- مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة، محمد جواد عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ۱۲- مکاسب شیخ انصاری، چاپ سنگی، ص ۳۷.
- ۱۳- همان.
- ۱۴- حضرت سجاد علیه السلام به قدری قرآن را زیبا و جالب قرائت می فرمود که هر کس صدای او را می شنید فریفته می شد و بی اختیار می ایستاد و به صدای دلنشین حضرت گوش فرامی داد.
- ۱۵- تفسیر صافی، فیض کاشانی، ج ۱ ص ۶۲.
- ۱۶- جلد سوم، صفحه ۳۵ و نیز مفتاح الشرائع، ج ۲، ص ۲۱؛ مفتاح ص ۴۶۵؛ مجمع الذخائر الاسلامیه، ص ۱۴۰۱.
- ۱۷- عین عبارات فیض در کتاب الوافی، جلد سوم، صفحه ۳۵ و نیز در کتاب مفاتیح الشرایع، ج ۲، ص ۲۱. مفتاح، ۴۶۵ به همین گونه آمده است: والذی ینظر من مجموع الاخبار الواردة فی اختصاص حرمة الفنا و ما یتعلق به من الاجر و التعليم و الاستماع و البیع و الشراء کلها بما کان علی النحو المعهود المتعارف فی زمن بنی العباس من دخول الرجال علیهن و تکلمهن بالباطیل و لعبهن بالملاهی من العیدان و القصب و غيرها دون ما سوی ذلك كما یشعر به قوله علیه السلام بالتي یدخل علیها الرجال.
- ۱۸- در کتاب وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۸۶، باب ۱۶۰، حدیث دوم آمده است. محمد بن علی بن الحسین قال: سألت رجل علی بن الحسین عن شراء جاریة لها صوت فقال: ما علیک لو اشتريتها فذكرتک الجنة، یعنی بقرآءة القرآن و الزهد و الفضائل التي لیست بغناء فاما الغناء فمحظور.
- ۱۹- کفایة الاحکام، کتاب تجارت، فصل سوم، مقصد دوم، مبحث فیما یحرم التکسب به، چاپ سنگی بدون شماره صفحات، مکاسب شیخ انصاری، ص ۳۹.
- ۲۰- و فی روایة عبدالله بن سنان عن ابی عبدالله قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله اقرؤوا و القرآن بالحن العرب و اصواتها و ایاکم و لحن اهل الفسق و اهل الكبائر فانه سيجيء من بعدی اقوام یرجعون القرآن

ترجیع الغناء و النوه و الرهبانية لايجوز تراقيم قلوبهم مقلوبه و قلوب من يعجبه شأنهم. المستدرک - کتاب الصلاة، الباب ۲۰ من ابواب القرائة، فی غیر الصلاة.

۲۱ - عین عبارات محقق سبزواری در کفایه: نقول يمكن الجمع بين هذه الاخبار و الاخبار الكثيرة الدالة على تحريم الغناء بوجهين احدهما، تخصيص تلك الاخبار بما عدا القرآن و حمل ما يدل على ذم التغنى بالقرآن على قراءة تكون على سبيل اللهو كما يصنع الفساق فی غنائهم و ثانيهما ان يقال المذكور فی تلك الاخبار الغناء و المفرد المعرف باللام لا يدل على العموم لغة و عمومه يستنبط من حيث انه لا قرينة على ارادة بعض الافراد من غير تعيين ینافی غرض الافادة...

۲۲ - این قسمت در عبارات کفایه نیست (و ما آن را از مکاسب ص ۳۸ نقل نمودیم) ممکن است شیخ اعظم از رساله ایشان در غنا نقل فرموده باشد.

۲۳ - مکاسب محرمه شیخ انصاری.

۲۴ - آنچه را دو محدث بزرگوار فرموده اند در واقع دخالت دادن عنصر زمان و مکان در مسائل فقهی می باشد و این کلامی متین است.

۲۵ - آیه الله العظمی گلپایگانی نیز بر همین عقیده می باشند.

۲۶ - شیخ علی شهیدی صاحب حاشیه بر شرح لمعه که از معاصران فیض و سبزواری بوده در رساله ای که علیه این دو بزرگوار نوشته، سخت به آنها تاخه و تشنیعات عجیب بر سبزواری رانده و معتقدان اباحه غنا و سماع را به حد کفر رسانده است.

۲۷ - بنابراین عقیده اگر غنا از مصادیق لهو باشد، حرام و گرنه حرمتی ندارد لذا لزومی ندارد مانند مرحوم شیخ برای مکاسب حرام دو عنوان مستقل در نظر گرفت: الثالثة عشره الغناء، العشرون اللهو بلکه همان عنوان لهو کفایت می کند.

۲۸ - کتاب الوافی، جلد سوم، صفحه ۳۴ و ۳۵.

۲۹ - المكاسب المحرمه، صفحه ۲۱۰. انت خبير بان ظاهر هذه العبارة بل صريحها صدرا و ذيلان الغنا على قسمين...

۳۰ - در کتاب کفایة الاحکام مرحوم محقق سبزواری کتاب تجارت مقصد دوم آمده است: مشهور بین اصحاب این است که حداء (صوتی که در سیر دادن شتر ترجیع می شود) از حرمت غنا استثنا شده است. وی در ادامه می فرماید: البته من دلیلی برای آن نمی یابم مگر این که بگویم ادله منع غنا شامل حداء نمی شود. در مورد کنیز آوازخوان در عروسی به شرط این که همراه با حرام دیگری از قبیل سخنان باطل، اشتغال به ملامی، و دخول مردان به مجلس زنان همراه نباشد اختلاف شده، گروهی مانند شیخ طوسی و شیخ مفید قائل به اباحه شده اند و گروهی نظیر قاضی مکروه دانسته اند، دسته سوم مانند ابن ادریس و علامه حلی قائل به حرمت شده اند. لکن لازمه جمع بین اخبار انتخاب قول اول (یعنی اباحه) می باشد. بعضی از فقها سرائی امام

حسین علیه السلام را نیز استثنا کرده اند که بعید به نظر نمی رسد.

۳۱ - اشاره دارد به سخنان شیخ علی شهیدی از معاصران فیض سبزواری.

۳۲ - به عنوان نمونه به احادیث ذیل توجه فرماید: صحیحهُ ریان بن الصلت قال سألت الرضا علیه السلام یوما یخراسان عن الغنا: و قلت: ان العباسی ذکر عنک انک ترخص فی الغنا فقال کذب الزندیق ما هكذا قلت له سألتی عن الغنا فقلت: ان رجلا اتی ابا جعفر علیه السلام فسأله عن الغنا فقال: یا فلان اذا میز الله بین الحق و الباطل فاین يكون الغناء قال مع الباطل فقال: قد حکمت. وسائل الشیعه کتاب التجارة - الباب - ۹۹ من ابواب ما یتکسب به. و مانند موثقة عبدالعلی قال: سألت ابا عبدالله عن الغنا و قلت: انهم یزعمون: ان رسول الله صلی الله علیه و آله رخص فی ان یقال جئناکم حیونا حیونا فقال: کذبوا ان الله عزوجل یقول: ما خلقنا السموات و الارض و ما بینهما لالعین. همان مأخذ. و مانند حسنة نضرین قابوس قال: سمعت ابا عبدالله یقول: المغنیة ملعونة ملعون من اکل کسبها، همان مأخذ.

۳۳ - بعلاوه مرحوم امام برای مدعای خویش به صحیحهُ علی بن جعفر استناد کرده اند صحیحهُ علی بن جعفر عن اخیه قال سألته عن الرجل یتعمد الغناء یجلس الیه قال: لا. پس می فرماید: علاوه بر این حدیث، احادیث زیاد دیگری وجود دارد که مجالی برای انکار آن وجود ندارد.

۳۴ - کیهان فرهنگی، شماره ۲۶. مرکز تحقیقات و پویای علوم اسلامی

۳۵ - مجله ادبستان، شماره ۲۷، مقاله غنا.

۳۶ - و قد تصدی العلم الفقیه الشیخ محمدرضا آل الشیخ العلامة الشیخ محمدتقی رحمهما الله لتفسیره فی رساله لطیفة مستقلة فقال: الغناء صوت الانسان الذی من شأنه ایجاد الطرب بتناسبه لمتعارف الناس... المكاسب المحرمه ص ۱۹۸، امام خمینی رحمته الله.

۳۷ - فان للغنا اقساماً کثیره و مراتب کثیره غایة الکثرة فی الحسن و الاطراب فریما بلغ فیه غایته کما لو کان الصوت بذاته فی کمال الرقه و الرخامه... المكاسب المحرمه، ص ۲۰۰، امام خمینی.

۳۸ - الغناء حرام فعله و سماعه و التکسب به، و لیس هو مجرد تحسین الصوت، بل هو مدّه و ترجیعه بکیفیه خاصه مطرّبه تناسب مجالس اللهو و محافل الطرب و آلات اللهو و الملاحی، و لافرق بین استعماله فی کلام حق من قراءه القرآن و الدعاء و المرثیه و غیره من شعر او نثر، بل یتضاعف عقابه لو استعمله فیما یطاع به الله تعالی، نعم قد یستثنی غناء المغنیات فی الاعراس... تحریر الوسیلة، فی المكاسب المحرمه، ج ۲، ص ۷.

۳۹ - کفایة الاحکام، کتاب تجارت، فصل سوم، مقصد دوم، مبحث فیما یحرم التکسب به، چاپ سنگی بدون شماره صفحات.

۴۰ - تحریر الوسیلة، ج ۲، ص ۷، مکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران.

۴۱ - الوافی، فیض کاشانی، ج ۳، ص ۳۵.